

ما با تمام قدرت در مقابل تجاوز هر دولتی به کشور ما ایستاده و از میهن عزیز و اسلام بزرگ تا سر حد جان دفاع می کنیم امام خمینی

# اتحاد بزرگ

شماره ۴۹ سه شنبه ۲۵ دیماه ۱۳۵۸

## فروهر

دوران تازه‌ای در تاریخ ایران آغاز میشود  
ارج این دوران را می‌شناسم و سنگینی  
مسئولیتی را که در برابر تاریخ بر عهده  
می‌گیرم نیز می‌شناسم.  
در تاریخ نو، بر نوشتن مملت را با بهره‌گیری  
از وجدان و آگاهی ملی و رهنمودهای  
اسلامی خواهم ساخت.

## شتاب در انتخابات ریاست جمهوری

### توطئه‌ی بیست و پنج سال سکوت را چگونه در چند روز میتوان شکست داد؟

در آن دوران هیچ چیز جلوه‌ای از راستی نداشت. همه رخداد های اجتماعی از صافی ساواک رد می شد و سپس به نظر مردم می رسید. کسی از احوال دیگری بیست و پنج سال پشت سر گذاشته‌ایم.

دهد. از خویشتن تپ است و از دیگران پر، اسلام را بازم به قول امام «باور» دارد و «باور» داشتن از چنان عمق و ریشه‌ای برخوردار است که دیگر هیچ جز اسلام، جز حق، جز عدالت، مورد توجه نیست



فروهر: نظام ویرانگر، بی‌منطق و ضد انسانی «سرمایه» را ویران می‌سازم و به جای آن نظام «کار» را استقرار می‌دهم. اقتصاد کشور را بر اساس برنامه به حرکت خواهم آورد. ثروت‌های زیرزمینی و منابع طبیعی کشور را و تبقیه پیشرفت اقتصاد ملی خواهم کرد.

## نامه‌ای برادرانه به هم میهن کردستانی

ما، بودیم، همه ایرانی بودیم. از گذشته‌ها می‌گویم ای دلاور زاگرس، ای پاسدار داستان ایران زمین ای قهرمانی که چنگین و مرزبانی کردی بودم - تویی و منی در میان نبود، همه

## پیام تاریخ

برادر دلاور کردستانی! با درود فراوان. در آغاز نامه می‌خواستم بیادت بیاورم گذشته‌ها می‌دانم که گذشته‌ها می‌تواند بزرگ خود

## نظرات داریوش فروهر درباره مطبوعات فردای ایران

گزاران واقعی خود را بفرستی بشناسد. سربازهای واقعی در جبهه‌های جنگ شناخته می‌شوند و اگر مدالی دریافت می‌کنند به مناسبت رشیدانه چنگین آنها است و در قلب میدان بودن آنها، نه به مناسبت خوب حرف زدن آنها، امروز بدبختانه خیلی‌ها سربازهایشان را نمی‌شناسند چرا که دیکتاتوری آریامهری فرصت بروز واقعیات را نداد و سرعت وقوع انقلاب فرصت همسایه بودن در سنگر را نداد پس ما مجبوریم حرف بزیم به ستونهای بسیار از ده سال یا پانزده سال و حتی سی سال چنگین در سنگر و در کنار هم بدون حتی یک کلمه حرف و یک ذره تبلیغ رئیس جمهورمان را انتخاب کنیم اما حالاً اینطور نیست چون معیار خیلی از قضاوتها بهتر حرف زدن شده است و بهتر جواب دادن، این تاسف‌آور است اما چه می‌شود کرد ما همه این مقدمه را قیدیم تا برسیم اینجا که علیرغم بسیار گفتن و اجبار در بسیار گفتن، من بسیاری چیزها را نمی‌دانم از جمله نمی‌دانم که چگونه ممکن است انسان برای هر سوالی جوابی درآورد داشته باشد که آنرا بلافاصله پس از طرح سوال بتکاند و ارائه دهد و ما نمی‌توانیم. و ما می‌توانیم احتمالاً بهر سوالی جوابی قانع کننده بدهیم اما آیا هر جواب قانع کننده‌ای همان جواب منطقی و درستی در اختیار ملت ما نگذاشت تا همه خدمت

## تلاش ملت‌ها برای آزادی، همانند زخم عمیقی، سرانجام دیگر استعمار را متلاشی می‌کند.

پس از جنگ جهانی دوم، نظام کهنه استعماری جای خود را به نظامی داد که صدر آن تراست های امریکائی به‌بهانه های مختلفی چون تجارت آزاد، سیاست درهای باز و غیره، امریالیسم مالی را جایگزین امریالیسم اداری کردند. در واقع دولت امریکا مصمم به توسعه بی حد و حصر صادرات خود بود، در حالیکه این صادرات از سوی با فقر کشور های اروپایی برخوردار کرده و از سوی دیگر با وحشی که دولت‌های اروپائی از وابسته شدن اقتصاد خود احساس می کردند، مواجه شده بود و این خود توسعه تجارت منطقه ای دلار را دچار بن بست می‌ساخت. از طرف دیگر کشور های مستعمره و نیم مستعمره بزودی احساس کردند که درآمد ملی خود را در پایان هر سال باید در ازای افساد سررسیده وام ها و فرغ آنها

## رئیس جمهور و اقتصاد ملی

رئیس جمهور آینده ایران هر که باشد با کوهی از مشکلات اقتصادی روبرو خواهد بود. نوعی سازه پردازی است که اگر تنها با ذکر کلمه «مشکلات» از سر گرفتاریها و دردهای آینده رئیس‌جمهور بگذریم. برای اینکه آنچه در جامعه ما میگذرد تنها جنبه مقابله با مشکلات اقتصادی را - که ظاهراً می‌توان با پیدا کردن راه حل‌های کوتاه - مدت علاج کرد - نداد، بلکه روندهای فکری و ایدئولوژیک بیشتر در بوجود آوردن این مشکلات سهیم هستند

## وحدت ملی و خودگردانی‌های قومی و منطقه‌ای

و قدرت، بازنشاسی میشود و در آن رابطه از کار بدست‌نظام‌کنونی ایران خردگیری بعمل می‌آید. راستی در این است که نظام سلطنتی پهلوی وحدتی را در جامعه حاکم ساخته بود که در اصطلاح می‌توانیم به آن عنوان «وحدت قبری» بدهیم یعنی مردم در زیر سر نیزه و فشار دم بر نمی‌آوردند و یادر برخورداری نسبی برخی از گروه ها و قشر های اجتماعی از مزایای اقتصادی نهاد های تاراج و مصرف، با هم بی آنکه در هم جوشیده باشند، در یک زندان

انضباط «حاکم گردید و مردم وطن ما با آنجه نوع در سلیقه ها و عقیده ها در «وحدت» بسر بردند. برای بسیاری از تازه کاران تلاشهای سیاسی، آن وحدت بگونه نوعی «ابتکار

## آزادی و عدالت

نخستین تجلی آزادی را باید در آزادی بیان جستجو کرد و این بدان معناست که هر زن و مرد آزاد باشند هرچه می‌گویند، بی آنکه با مانع و رادعی برخورد بگویند، بی آنکه با مانع رادعی برخورد کنند و ترس و هراسی داشته باشند. بوسیله آزادی گفتار است که انسان می‌تواند بیدار و ستم را از بین ببرد. وقتی آزادی بیان وجود نداشته باشد استبداد است که حکومت می‌کند. حقیقت چونان اشعه‌ی ضعیفی در ظلمت است. چنان‌که تنها راهی که با آن می‌توان به حقیقت رسید، همان آزادی در بحث و در کسب آگاهی و حتی رقابت و دوی دست یکدیگر بلند شدن است. با یقین

## مروری دیگر

فردا سالروز شکستن و فرو ریختن آن بت سنگی است که اینک درانده‌ترین در بدر و بدنام‌ترین آوازی جهان است. سال گذشته، پس از آنکه بارها و بارها میهن ما به آتش کشیده شد و در صف نبرد، یارانمان به خون تپیدند و خیابان و کوچه‌های شهرمان را شمع‌های روشن و میخک‌های سرخ آذین بستند، بدان هنگام که فضاقت دروغ و جنایت به نهایت رسید و بوی عفن و چندی‌آور آن کوی و برزن را پر کرد، سرانجام روز ۲۶ دی‌ماه آنکه ذره‌ذره وجود نحسش از ما و آرا‌های ما جدا بید و بازمین ما بیمان، دیار ما را با چشمان گریان و چهره‌ی ببت زده ترک تکت و تکرار تاریخ را بار دیگر صحنه نهاد. زنی همچنان زده از پنجره‌ی گشوده‌ی خانه‌اش فراد شاه را صلادرداد و من که ۲۵ سال انتظار چنین لعظه‌ای را در رگهایم حس کرده بودم از شوق گریستم و برجای خالی آنها که در راه مبارزه با آن دیکتاتور از جن مایه گذاشته بودند سرایا افسوس شدم. جای مصدق، سردار پیر نبیقت ملی، جای فاطمی شهید بزرگ همین و جای همه و همه گلگون کفتان. باران نزل که با دست‌های ترد و پرمایه جوانان فرو می‌ریخت و صدای بوق‌های ممتد و برق چراغ‌های روشن اتومبیل‌ها، چه شادی و سروری برجسم سوختی شبر پاشید.

## قارنا، روستای خفته در خون

نامه‌ای از یک برادر کرد به نام همدردی با او و دیگر رنج‌دیدگان سرزمین دل‌پرور کردستان. مه‌باد کمال علی پنجه نشستند. از تکه تکه کردن قرآن این و سنگلی، از کشتار و قتل عام زنان

# بیم یورش ناجوانمر دانه!

این روزها، هرگاه و هرجا که به دلیلی حرف از داریوش فروهر به میان می آید بلافاصله مساله‌ی کردستان مطرح می شود. در حقیقت، نام «بازار تداعی» نام بخشی از وطن ما شده است، وای کاش که من، دین خود را هم به وطن از طریق این «بازار تداعی» قرار گرفتن داده بودم... اما اکنون که در اینجا، من خود به این رابطه اشاره کرده ام اجازه بدهید که یکبار و برای همیشه، موضع خود را در رابطه با مساله‌ی کردستان برایتان روشن کنم.

شما می دانید و همه می دانند که در ابتدا آنها، یعنی شخصیت هایی از کردان که مایل به مذاکره با دولت بودند و یا لزوم این گفت و گو را حس می کردند، مرا «صدا کردند».

واژه «صدا کردند» را به کار می برم، چرا که واقعا برادران کردم مرا صدا کردند و گفتند: «فقط داریوش فروهر

باید...» این البته افتخار بزرگی بود برای من، که بخشی از افراد ملت مبارزم یا لاقابل نمایندگان بخشی از افراد ملت مبارزم، مرا بخوانند، اما در عین حال، اراده‌ی من، در جمع بست نهایی، مستقل از اراده‌ی ملی و ایمانی مردم یا مستقل از یک اراده‌ی تاریخی - سیاسی همگانی نمی توانست باشد، و نیست و نخواهد بود.

آنها، مرا به عنوان یک «چادوگر» فراخواندند، و من نیز مطلقانه ادعای چادوگری داشتم نه حامل چادو بودم.

پس، مجموعه‌ی این مسائل و حوادث و برخورد ها، گذشت زمان، اعتبار و ارزش تک تک آنها را بر ملا خواهد کرد باعث شد محصولی که امید داشتیم به سرعت حاصل شود، نشد ورشته های محبت میان ما گره خورد و معجزه بزرگ، اتفاق نیفتاد.

## ما در کردستان، بر اساس یک مجموعه گفتگوهای صمیمانه، راه را بر کشتارها بستیم.

که ما کاری نکرده ایم و شایسته انجام کاری هم نبوده ایم و نیستیم و فرمنا بخوانند راه را بر ادامه گفت و گو ها ببندند، چه باید بکنند؟ کفایت به هر بهانه و دلیل، یک کشتار دیگر راه بیندازند یک قارانی دیگر... همه چیز نقش بر آب می شود... و این بازار تداعی، به آزادی ناخوشایند تبدیل می شود.

دشمنان این ملت که دلشان برای بچه ها و جوانهای ما سوخته است. برای آنها این مساله اهمیت دارد که راه های نیم گشوده هم بسته شود، و افرادی چون داریوش فروهر که اعتبار «صدا کردن» دارند از میدان مبارزه رانده شوند.

یادتان باشد! من اینجا، حضور شما را یک حضور تاریخی تلقی می کنم و میگویم: بیم یورشی بسیار ناجوانمر دانه می رود. این، شاید در کوتاه مدت مهم باشد که فروهر هم با این، یورش فرو رود و معجزه اتفاق نیفتاد.

## فراوش نکتیم، مادرانی که امر و زه لبخند می زنند می توانستند مادران گریان شهیدان بسیار باشند

بله... این، عین حقیقت است که من، در کردستان، به پیروزی نهای دست نیافتم، اما این نیز عین حقیقت است و مطلقا نباید فراموش شود که ما، در کردستان، بر اساس یک مجموعه گفت و گو های صمیمانه، راه را بر کشتارها بستیم و این، مساله‌ی حقیری نیست و اگر سهم کوچکی از این مساله به من تعلق داشته باشد، این نیز افتخار بسیار بزرگ است برای من.

حرف از خون است و زندگی و پاسداری حیات هموطنانی که به خاطر هیچ یکدیگر را از پای در می آورند.

هر یک کرد دلوار که کشته نشود یا یک پاسبان از جان گذشته این، خود، به معنای یک پیروزی عظیم است.

فراوش نکتیم مادرانی که امروز لبخند می زنند، می توانستند مادران گریان

شود، اما در درازمدت، ضربه، دیگر، متوجه فروهر نیست.

اگر در کردستان، نامردانه کشتاری راه بیندازند و باز جوانان کرد و جوانان دیگر گوشه های میهن - جوانان ایرانزمین - را به خاک هلاکت بیندازند، فقط ظاهر قضیه این است که فروهر نتوانست در کردستان معجزه کند بنابراین نخواهد توانست رئیس جمهور معجزه‌گری هم باشد، اما باطن قضیه این است که می خواهند بگویند اصولا برخورداری از آزادی های راستین، در ایجاد وسیع، برای این ملت زود است.

حال، که گمان می کنم آشکارا مساله را برایتان باز کرده ام، اجازه بدهید یک نکته را هم در مورد ماهیت و کیفیت ارتش بیفزایم تا مساله، بازم روشن تر شود. به نظر من، وطن، بدون یک ارتش

# رئیس جمهور و اقتصاد ملی

توضیح در یک برنامه کار ریاست جمهور نیست ولی در حد لزوم می بایست توسط نامزدها باین مشکلات اشاره شده و نمونه‌ای از راه حلها و سیاستها با قید بعد زمانی برای آنها ارائه شود.

با توجه به این دو هدف که از طرف جامعه انقلابی ایران مطرح گشته است رئیس جمهور آینده ایران برنامه کاملی برای بنیاد نهادن یک سیستم اقتصاد ملی تنظیم و به معرض افکار عمومی بگذارد.

ویژگیهای این سیستم اقتصادی که مسلما برای ایران یک سیستم نوینی خواهد بود که در گذشته نزدیک تجربه‌ای با آن نداشته ایم میبایست روشن شود. برای مردم ایران که دوز پنجم بهمن ماه به پای صندوقهای رای میروند این سئوال مطرح است که آیا رئیس جمهور آینده ایران به صنعتی شدن این کشور معتقد است و برای ایران را یک کشور کشاورزی میداند

که بصورت مواد خام خود قناعت خواهد کرد. برای مردم ایران حیاتی است که بدانند آیا رئیس جمهور آینده شان معتقد به اقتصاد بخور و نمیر است و یا به رشد و توسعه اقتصادی برای بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی ایرانیان اهمیت میدهد.

برای مردم ایران مهم است که بدانند رئیس جمهور آینده ایران منابع طبیعی این سرزمین را چگونه بکار خواهد برد، آیا از آنها برای تولید هرچه بیشتر ارزش افزوده داخلی استفاده خواهد کرد و یا آنها را بصورت مواد خام، برای تقویت سیاست وارداتی مفتوح کنونی، صادر خواهد کرد.

برای مردم ما بسیار حائز اهمیت است که بدانند تا چه هنگام نفت ما بدینگونه به بازارهای جهان سرازیر خواهد بود تا تکاوی وارد کردن مواد غذایی و کالاهای مصرفی ساخته شده دنیای غرب را بدهد.

مردم ما می خواهند بدانند که رئیس

## نامه‌ای برادرانه به هم میهن کردستانی

بنیه از صفحه اول سرزمین جاویدان خود را. ای قهرمان کوهستانی سرسخت! از گذشته هایمان سخن میگویم، از اسلام، از تمدن بی نظیر آن که همه با هم آنرا ساختیم از وحدت آرمانی و ایمانی که آموزشهایش بها حرکت جدید داد. به ساکنان کردستان به گردان جوانمرد و برادران از گذشته هایمان سخن میگویم، از دوران صلاح الدین. از مردی که مردانه ایستاد و قهرمانانه جنگید و در برابر آسیب های غارتگران فرنگ پاسداری کرد.

میهن را و اسلام را. ای برادر مسلمان و با ایمان. یگانگی های ما همیشه میهن ما را نگاهبانی کرده است. همدلی های ما همیشه میهن ما را در خط سازندگیها قرار داده است. اما...

دشمنان ایران، دشمنان یگانگی های ما، بر ما سلطه یافتند. دشمن بزرگ - استعمار - امپریالیسم در میهن بزرگ ما سیطره یافت میخواست تا تارهای مودت ما پاره شود میخواست تا یگانگی های ما به چندگانگی مبدل گردد.

سرزمین ما تکه تکه شده استبدان دست شناسه استعمار، بیدار کرد، ذات استبداد بیدارگری و ویران سازی است! ستکاران تاریخ، ویران کردند میهن بزرگ ما را، برادران را به جان یکدیگر انداختند. شمشیرهایی که در روزگار گذشته لرزه بجان دشمنان ایران میانداخت، برضد برادران بکار گرفته شد. استعمار برادرکنشی می آورد، استبداد خون جباری می سازد!

سرزمین ما را که ما را به برادر - کنشی واداشتند، نگنشان باد که همه وجودشان تنگ بود.

ای برادر کرد، ای بیا خاسته نبردگاه خود بودن و خود شدن! بیاد داری که دست اندر دست یکدیگر انقلاب کردیم، با هم انقلاب کردیم یگانه بودیم و انقلاب کردیم. انقلابی یگانه از سوی ملتی یگانه، برهبری رهبری یگانه.

چه کسی باور دارد هرگز علی اکبر مسرور، جوان و شاداب و پر تحرک دیگر در میان ما نباشد. با ما در میدان نبرد. در پاسداری از انقلاب، در توجیه سبیل نگاری ها و اکنون گلچین روزگار، از شاخ زندگی او را برگزید و یارانش را بویژه همکاران کارگش را به انوشی عمیق فرو برد.

علی اکبر مسرور، ۲۳ ساله، از انجام یک مأموریت حزبی، موفقی باز می گشته که با بیماری نادر و کشنده‌ای دست به گریبان شد و برغم نیروی جوانی و جسم سلامت زندگی کوتاه ولی پرگرمش بسه پایان رسید.

مرگ او را با افسوس فراوان به خانواده اش، به برادر هرزمش، تسلیت می گویم.

### جبهه ملی

جمهور آینده شان اقتصاد این سرزمین را بر پایه یک برنامه توسعه و عمران ملی استوار خواهد کرد و یا هرج و مرج و بی برنامه گی کنونی را ادامه خواهد داد.

مردم ایران این حق را دارند که بدانند رئیس جمهور آینده شان برای ایجاد اشتغال و مبارزه با بیکاری چه برنامه‌ای دارد.

مردم ایران باید بدانند که سبم کارگران از نتیجه کارشان در فعالیت اقتصادی چیست و نظام نوین اقتصادی چگونه به رژیم استثماری سرمایه داری پان می دهد.

ایشنا و صد ها سئوال دیگر برای مردم ایران وجود دارند که نامزدهای ریاست جمهوری با صراحت بیشتری می بایست به آنها پاسخ گویند. تنها پس از پاسخ دادن به تمام این پرسشهاست که مردم می توانند اولین رئیس جمهور خود را آگاهانه برگزینند و تنها در صورت وجود چنین آگاهی است که انتخابات ریاست جمهوری از ارزش راستین برخوردار خواهد بود.

باشد. این مرد را هم تو می شناسی و هم من و هم دیگر هم می شناسیم. داریوش فروهر را میگویم، مسرد سختی ها و قهرمان استقامت ها، بگویم بد انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، او را یاد و مددگار باشیم خدای تعالی یار و مددگار همه ما باشد.

برادر تو، از کوهپایه های البرز

### در اندوه (مسرور)



چه کسی باور دارد هرگز علی اکبر مسرور، جوان و شاداب و پر تحرک دیگر در میان ما نباشد. با ما در میدان نبرد. در پاسداری از انقلاب، در توجیه سبیل نگاری ها و اکنون گلچین روزگار، از شاخ زندگی او را برگزید و یارانش را بویژه همکاران کارگش را به انوشی عمیق فرو برد.

علی اکبر مسرور، ۲۳ ساله، از انجام یک مأموریت حزبی، موفقی باز می گشته که با بیماری نادر و کشنده‌ای دست به گریبان شد و برغم نیروی جوانی و جسم سلامت زندگی کوتاه ولی پرگرمش بسه پایان رسید.

مرگ او را با افسوس فراوان به خانواده اش، به برادر هرزمش، تسلیت می گویم.

و بر اساس تقویت ثبات سیاسی کشور و بر پایه اتحاد و توافق اکثریت نیروهای واقعی انقلاب انجام می گرفت.

رئیس جمهور باید از نظر سوابق اخلاقی، مبارزات سیاسی و اجتماعی و تقوا و فضیلت و عدم وابستگی، دارای هویتی شناخته شده برای مردم باشد. با مردم بود و در روز های سیاه خفقان میدان مبارزه را به هیچ بهانه‌ای ترانگفته باشد. کوچکترین خدشه‌ای، زندگی سیاسی او نیدرپفته باشد. در بدترین شرایط زندگی با دستگاه ستم کنار نیامده باشد. به ایران بیدیشد و به همه ایرانیان آزاد اندیش و آزاده باشد توانایی ایجاد نظم در جامعه نظام کیسختی را داشته باشد.

برای این گزینش، شناخت کامل گذشته نامزد ها و پی بردن به دچی پایداری و استقامتشان در روز های بحرانی و خطر و آگاهی عمیق از برنامه کارشان ضروری است و با این فرصت کوتاه، این امر ناشدنی و غیر ممکن است.

بشترین راه حل، عقب انداختن انتخابات است زیرا

# شتاب در انتخابات ریاست جمهوری

ولی دیدیم که چنین نشد و آنها که بگونه‌ی طبیعی این بیمار از سوی رهبری انقلاب برگزیده شدند، بیشتر در اندیشه تقسیم مشاغل و توزیع آنها میان یاران بودند تا در فکر درمان جامعه‌ای که داغ دهها سال دیکتاتوری برینده وجودش خورده و نظام زندگی اش از هم پاشیده است.

جامعه‌ای ما که بدنبال یک انقلاب خونین بزرگترین و ریشه دار ترین نظام دیکتاتوری جهان را فروریخت تا به دلیل استمرار نظم استبدادی، از حرکت تکاملی فرهنگی و اجتماعی باز ماند و حاکمیت سانسور و خفقان آنرا از آگاهی های ضروری بنور داشت که نمونه‌ی بسیاری در آنرا در حضور داوطلبان بسیار متعدد نامزدی ریاست جمهوری می بینیم.

اینهمه داوطلب، که بیشتر آنها برای اکثریت مردم ناشناخته هستند و رقم گریز از بحث و گفتگو و بردباری و گذشت و عدم اجتناب از قضاوت های عجولانه همه جا ناظر و شاهدیم.

اکنون که تب انتخابات ریاست جمهوری بالا گرفته، این بی آمد های تلخ اجتماعی آشکارتر گردیده است. با چنین حقایقی ناگوار و اندوهناک اگر برنامه‌ی بازسازی اجتماعی و اخلاقی در قالب یک نظم واقعی و انقلابی و بدون قصد قدرت طلبی و انحصار گرایی وجود نداشته باشد و هر چه زودتر به اجرا گذاشته نشود، جامعه با سرعتی سرسام آور به بستر اخلاقی و اجتماعی قبل از انقلاب بازمی گردد.

بیکر بیمار جامعه‌ای که پس از انقلاب اگر دستگاه نظم یافته و مسئولی بر آن حکومت می راند، لازم بود از مسیر ضربه های شدید و تعادل بر هم زدن دور نگه داشته شود تا هرج و مرج اجتماعی و اقتصادی، رخت بر کند و جامعه سلامت واقعی یابد.

زنان و مردانی استوار و مقاوم، هرگز تسلیم نشدند و از اندیشه ها و آرمانهایشان نگلشتند.

حالا توطئه‌ی بیست و پنج سال سکوت را چگونه در چند روز می توان شکست؟ چه کسی را مردم برآستی می شناسند؟! از گذشته‌ی کد امیک از نامزد ها آگاهی کامل دارند حتی آنها که نامشان بر سر زبانه‌هاست در دیدگاه مردم گذشته‌ای گنک و ناروشن دارند و متاسفانه وجود نیروهای فشار و انحصار طلب به این نماندن و ناروشن بودن کمک می کند و این ابهام را می گسترند!

جامعه‌ی ما آنچه از نظام فاسد پهلوی به ارث برد، نبود نهاد های دموکراتیک اجتماعی و شجرت و تفرقه سیاسی و فقدان تجربه‌ی های گروهی و صنفی و حزبی بود که نتیجه‌ی آنها بگونه‌ی پذیرفتن شایعات، رواج تبمت و افترا و اعمال خشونت و خیری نداشت - حتی آگهی های ترحیم بایستی به تأیید ساواک چاپ می شد، مصطفی آثم پیر خرد و آن اسطوره‌ی مقاومت که نفست وزیر انگلیس ستوتش را آغاز آرامش خود نماید، چشم از جهان فرو بست و جز به استعاره کلامی پیرامون آن نوشته نشد. عروسکی شکسته با تفرقه های آشک به نشان غم ملتی از آن ضایعه پر چلد مجله‌ای و اسلام

آنها که مقاومت می کردند و در و دیوار سلول زندان ها، پیام مقاومتشان به دیگر زندانیان بود، در تاریخخانه‌ی سانسور، حبس بودند و کسی نمی دانست رفتن ها و آمدن هایشان چه جهت و چه قصدی دارد؟! توطئه‌ی سکوت، همه‌ی زندگی را در بر گرفته بود. نسل جوان کلامی از مبارزات گذشته نمی دانست و اگر معلمی دلآوردی می کرد و سخنی از مبارزات گذشته می گفت، به حکم ساواک قلاب سنگش می کردند و چنان درس عبرتی به او می دادند تا دیگر هوس حق گوئی به سرش نزنند. با اینهمه در آن مسلخ بودند انگشت شمار

# آزادی و عدالت

بقیه از صفحه اول  
خشونت، اهان و رفتار های زشت دیگر  
چهره جمهوری اسلامی ایران را خشنوداد  
می سازد.

براه انداختن دسته های فشار، پاره  
کردن پوست های انتخاباتی، نوشتن شعار-  
های زشت و توهین آمیز، نزد جهانیان  
از ما، مردمی بی فرهنگ و کمبیتاب  
می کند که شایستگی زندگی آزاد نسیم.  
باید مردم در چنان شرایطی قرار

گیرند که با جان و دل و تفکر و تعقل  
آزادانه هر امری را بپذیرند، شعور مردم  
را باور نداشتن و خود را قیم آنها دانستن  
با دوگراسی و آزادی مفایرتی وحشتناک  
دارد و این السوس را ببار می آورد که  
گرچه شاه و اعوان و انصارش رفتند، و  
دیكتاتورهای را به بیای خون خرابانمان  
شکستیم ولی نشانه های وجودنصص او هنوز  
در جامعه قابل لمس است.

این روشن است که وقتی در جامعه  
آزادی واقعی وجود نداشته باشد، تجاوز  
خود نمایی می کند. تجاوز که شروع شد  
نارابری های اجتماعی بطور می رسند  
در چنان فضای دیگر سخن از آزادی سخنی  
بیبوده است.

باید نظام حاکم امکان استفاده از  
برابری های پیش بینی شده در قانون  
اساسی را برای همگان فراهم آورد تا راه  
بر عدالت گشوده شود. عدالت نه تنها  
به هر کس امکان میدهد که حق خود را  
ببست آورد بلکه او را از گرفتن بیش از  
آنچه که حق اوست باز می دارد حدود و  
کلیف و مسئولیت فرد را معین می کند.  
عدالت در جامعه باید چنان باشد که  
نه تنها تسلط مردم را برحق خود تضمین  
کند، بلکه شرافت و مرتبه انسانی آنان  
دستخوش تظاول نگرند و راه پیشرفت  
و همگامی مسدود نشود.

وظیفه دیگری که به عهده دست-  
اندرکاران امور است ایفای رسالتی معنوی  
است در فراهم ساختن زمینه برای رشد  
فضایل نیک و مکارم اخلاقی تا به اتلائی  
جامعه کمک شود و خشونت ها و زشتی ها  
از روح مردم فروریزد و چه جای دریغ که  
این مهم نیز به سهولت فرووش شده و  
چنان جوی بر کشور حاکم است که بی پروا  
باجوب و چماق وحمل لگلاک و عکس آنکه  
مورد حمایتشان قرار گرفته و بابا السوس  
بیشتر با برق سحرآمیز درمی پایه های  
سست اخلاقتان سبب شده به پاره کردن  
پرست ها و پرده های تبلیغاتی همت می-  
گمارند و سینهی فراخ و بازوان توانایشان  
پشتوانی این بی اخلاقی و این شکستن  
ارزش های والای انسانی است.

اگر قرار باشد در محیط آزاد زندگی  
کنیم، آزاد بیندیشیم، آزاد بگویم و آزاد  
بنویسیم نخستین پاسدار آزادی یک یک، ما  
خواهیم بود و دست اندرکاران حکومت  
بیشترین مسئولیت را در آموزش و حفظ

# وحدت ملی و خودگردانی

بقیه از صفحه اول  
کننده وحدت ملی است.  
در برابر « وحدت فبری » که حکومت-  
های دست نشانده در ایران مبلغ و سازنده  
آن بودند از بطن جامعه و تاریخ آن وحدت  
دیگری چشمگیر میشد که از مبارزه و تلاش  
مایه میگرفت و میتوان به آن عنوان « وحدت  
ارادی » داد یعنی اراده مردم و خواست های  
بنیادی آنان زمینه ساز آن میشد که انقلاب  
وجه ممتاز و ملی این وحدت بشمارمی-  
رود.

دیگر سخن انقلاب که در هم ریزنده  
همروابط سابق بوده، نیرو های مردمی را  
آزاد ساخت و در روند آزادی و آزاد سازی،  
وحدت واقعی مردم را فراهم ساخت.  
اصیل ترین حرکت های ضد استبدادی  
و استقلال طلبانه ملت ایران تظاهر و  
تبلور پیدا کرد. در برابر اجفای ها و  
ستم ها و زندانبانی و تبعیدها و سرانجام  
کشتار های جمعی مردم بیگناه دد سرتاسر  
ایران، در میان همه قومهای ایرانی،  
همملری و همبستگی بی نظیری بوجود آمده  
که در رابطه با ساخت مشترک یاد شده  
(تاریخی و فرهنگی)، طلیعه جدید وحدت  
ملی را نمایان کرد.

بهمان سان که در های زندان شکسته  
شد و زندانیان آزاد گردیدند بهمیان گونه  
که مردم بظاهر آزاد ایران، در واقع  
آزادی راستین را بدست آوردند، بهمیان  
شیوه که احزاب و سازمانهای سیاسی و  
فرهنگی و اجتماعی در فعالیت های خود  
دیگر داد و مانی ندیدند، « گروه های  
اجتماعی نیز آزاد شدند و ترکیب بندی  
اجتماعی » سنتی ایران نیز منزلزل گردید  
و در این رابطه بسیار طبیعی است که  
« هم امر ایرانی » نیز بحرکت درآیند  
ساکتانه منطقه های گوناگون ایران تلاش  
کنند تا هم به ستمهای اقتصادی و سیاسی  
و فرهنگی و اجتماعی گذشته پایان دهند  
و هم در لوی انقلاب شکوهمند تاریخی  
خود که همگان در آن شرکت داشتند،  
« انسانیت » و « خودبودن » جاعت خود  
را بازیابی کنند و هم بسان همه گروه ها  
و جاعت ها، برادرانه در پاسداری این  
انقلاب، خود را متعهد و مسئول بشناسند  
بهمان گونه که در ایجاد آن سهم داشته اند.

در عملکرد به این خواستها که بسیار  
انسانی و اسلامی است، اشکالهایی بوجود  
آمد و موانع متعددی سد راه تحقق آن شو  
در یک منطقه ایران (کردستان) و در میان  
دوگراسی دارند.

نقد مطبوعات نیز در این آموزش نباید  
نا دیده گرفته شود.  
مطبوعات باید بی آنکه اسیر امواج  
تبلیغاتی شوند از فرصت های مساوی همه ی  
نامزد ها را برخوردار نمایند و حقیقت را  
بگونه کامل و بی نقص در اختیار  
خوانندگانشان بگذارند.

یک قوم ایرانی (کرد) کار بجائی رسید  
که برادران شمشیر های خود را بروی  
یکدیگر از غلاف بیرون آوردند.

خواستهای قوم کرد در روز های  
نخستین انقلاب یا بدرستی بیان نشد و یا  
کار بدستان آنرا بدرستی درک نکردند. بر-  
صورت که بود شکافی هر چند بسیار کوچک  
پدید آمد. عوامل مخالف با پایان دادن  
با پایان یافتن درگیریها و تناقضات و تضادهای  
اعم از عوامل برون مرزی (دولت بعثی  
عراق - آلان و ادوات صهیونیستی و  
امریکائی) و نیرو های دونی (ضد انقلاب  
مالکام بزرگ و معتقدان به اسانه کثیر الملله  
بودن ایران) و جز آنها وارد عمل شدند  
بمرور شکاف که در ابتدا اندک بود قابل  
ترمیم، بزرگ و بزرگ تر شد و کار برای  
همه کسانی که ایران را دوست دارند و  
به تعامی ارضی و استقلال آن علاقمندند،  
بسیار دلغراش گردید. برخورد های دو  
طرف از همان ابتدا دو شکل پیدا کرد:

شکل اول - بکار بردن قدرت نظامی:  
حکومت مرکزی از طریق جنگ گمان  
میکرد که درگیریها پایان خواهد یافت و  
کردستان بگونه یک منطقه ایرانی باقی  
خواهد ماند و با احتمال زیاد با بیان تبلیغاتی  
« نابود کردن عوامل مغرب و اغتشاش و  
ضد انقلاب » نوعی « حقانیت » نیز برای  
خود تهیه خواهد کرد.

مبارزان کردستانی با فداکاری و  
کشته شدن و یا کشتن برادران خود تصور  
میکردند که به ستم های « حکومت مرکزی »  
پایان خواهند داد و به حق « خودمختاری  
تاریخی خلق کرد » دست خواهند یافت.  
مسلم است این شکل نامبارک و بی-  
فرجام نه دولت را موفق میساخت و نه  
هموطنان کردستانی ما را به حقوق مشروع  
خود میرساند. منطقه به آتش و خون  
اجتماعی « سنتی ایران نیز منزلزل گردید  
و در این رابطه بسیار طبیعی است که  
« هم امر ایرانی » نیز بحرکت درآیند  
ساکتانه منطقه های گوناگون ایران تلاش  
کنند تا هم به ستمهای اقتصادی و سیاسی  
و فرهنگی و اجتماعی گذشته پایان دهند  
و هم در لوی انقلاب شکوهمند تاریخی  
خود که همگان در آن شرکت داشتند،  
« انسانیت » و « خودبودن » جاعت خود  
را بازیابی کنند و هم بسان همه گروه ها  
و جاعت ها، برادرانه در پاسداری این  
انقلاب، خود را متعهد و مسئول بشناسند  
بهمان گونه که در ایجاد آن سهم داشته اند.

در عملکرد به این خواستها که بسیار  
انسانی و اسلامی است، اشکالهایی بوجود  
آمد و موانع متعددی سد راه تحقق آن شو  
در یک منطقه ایران (کردستان) و در میان  
دوگراسی دارند.

نقد مطبوعات نیز در این آموزش نباید  
نا دیده گرفته شود.  
مطبوعات باید بی آنکه اسیر امواج  
تبلیغاتی شوند از فرصت های مساوی همه ی  
نامزد ها را برخوردار نمایند و حقیقت را  
بگونه کامل و بی نقص در اختیار  
خوانندگانشان بگذارند.

# دوستم فروهر، استوار و تسلیم ناپذیر

تکلف.

داریوش فروهر را در سالهای پس از  
کودتای ۲۸ مرداد مردم بلاکتنیده ای-  
سرزمین یا پشت میله های زندان به خاطر  
می آورند و یا در چنگ و گریز با دستگاہ  
استبداد وابسته به استعمار.  
فزلقلعه، آن حصار سنگی دژخیم،  
همیشه آمادگی پذیرفتن. قامت استوار و  
منارم او بود. دین چهری تسلیم ناپذیرش  
برای زندانبانها ناپوس خطر بود و یادآور  
ندام و استقامت و برای زندانیان نویه  
پیروزی.

فروهر در طی ۲۵ سال سلطه ی خلفان  
و سانسور و مرگ ۱۶ بار به زندان کشیده  
شد.  
این استوار و پایبندی چنان بسر  
ابلیس سخته و گران بود که هنوز قدم از  
دروازه ی زندان بیرون نپساده نقشه ی  
بازداشت مجددش را ساواک به اشاره ی او  
طرح می کرد.

یکبار که خانوادگی کوچک او را کنار  
خیابان در انتظار تاکسی دیدم در برابر  
سوال من که به کجا می روی پرسخردسالت  
گفت « خانه ی بابا، و یکبار که پس از ۳  
سال از بند رها شده بود و بدینادش رفتن  
خاطره های از دخترش گفت که عقق ستم  
را با همان کلام کودکانه نشان میداد. او  
گفت « پس از ۳ ماه ملاقاتی در حضور  
بازپرس که همان « عطارپور » بود به من  
دادند مادرم و همسر و دختر کوچکم به  
دیوارم آمده بودند. هنوز لفظه های تکلیف  
بود که عطارپور بهم سیگار تعارف کرد.  
دخترم بدون مقدمه و با خشم گفت « اگر  
اجازه بدهید بابا نفس می کشد. عطارپور  
زیربار این تمای از دل برآمده ی پرستوی  
من گفد شد و تا پایان ملاقات دیگر هیچ  
است.

رهبری و قاطعیت امام در یکبار های  
ضد امپریالیستی و اوچگیری مبارزان مردم  
در نابود کردن نفوذ و سلطه امریکایی  
غارتگر، نه تنها درستی شکل دوم داخل  
مشکل کردستان را نشان داد بلکه به آن  
تنه ی نیز بخشید و یکبار دیگر آشکار کرد  
که در برابر سیزده بیگانه همه گاه قومی  
ایرانی قابلیت در هجوشی یا یکدیگر را  
داوند.

همانگون با الهام از پیام تاریخی امام  
و فعالیت های بیشتر هایت ویزه حسن-  
نیت در کردستان، امید مبرود که هم  
مشکل برادران کرد، بسود ایران حل  
گردد و هم با اتخاذ روشهای سنجیده و  
برخاسته از مذاکرات کردستان، قادیباشیم  
در دیگر منطقه های ایرانی و میان قومهای  
این ملت بزرگ هر نوع اشکال و نامنی  
را از همان ابتدا به پایان برسانیم و به  
وحدت ملی که برخواست ها و اراده های  
همه ایرانیان اتکا دارد پیروز و زمانه برسیم.

# پیام تاریخ

بقیه از صفحه اول

کشور های امریکای لاتین و جهان  
سوم، نیروی تازه ای در جهان هستند که  
نمی توان مدت زیادی از پیشرفت و آزادی  
این ملت ها جلوگیری کرد. نه با دلار،  
نه با سرنیزه، نه با کمک های عظیم  
اقتصادی، نه با مزدوران بیگانه پرست و  
نه با دخالت های گسترده ای که ابرقدرت  
ها برای جلوگیری از پیشرفت این ملت ها  
انجام می دهند.

زیرا میهن دوستان این کشور ها  
دریافته اند که سرنوشت خود را به حکم  
تاریخ باید خود بسازند. آنها دیگر  
دریافته اند که تنها با تکیه بر فرهنگ،  
تاریخ و سعی و کوشش خودشان، می-  
توانند از یوغ استعمار، و رهایی یابند.  
بی گمان ملت گریبان جهان سوم عقابت  
راه خود را در مسیر تاریخ خواهد یافت،  
چرا که به لزوم احیای اقتصادی و دوباره-  
سازی اقتصاد های عقب نگه داشته شده ی  
خود که بیشتر براساس تولید یک کالا  
مستقر است پی برده اند و برآنند که آن  
دابه یک اقتصاد کامل و متنوع که جوابگوی  
کلیه نیاز های صنعتی و کشاورزی آنها  
باشد، تبدیل کنند.

در اینجا مساله ی مهم اینست که تلاش  
این ملت ها برای آزادی، همانند زخم  
عقیمی سرانجام بیکر استعمار را متلاشی  
می سازد.

پیروزی برخی از کشور ها در این  
بیکار منفس، بهترین سرمشق و نمونه  
برای ملت هایی است که سال هاست  
مبارزات بی گری خود را آغاز کرده اند. پیام  
تاریخ این است: ملت ها سرانجام سرنوشت  
خود را به دست می گیرند و حق حاکمیت  
خود را گسب می کنند سرنوشتی که نادر  
واشنگتن تعیین می شود. نه در مسکو، نه  
در لندن بلکه تنها بانوغ، تلاش، پشتکار  
و فریاد های آزادیخواهانه ی مردمان این  
کشور ها در راه بدست آوردن استقلال  
و آزادی، در مسیر تاریخ جریان طبیعی  
خود را طی می کند.

درد دوباره ی بانو ایندی را گانسی  
چهره ی مبارز و سرسخت و آشتی ناپذیر  
جهان سوم که ناشی یادآور دو ابرمرد  
تاریخ مبارزات ضد استعماری جهان -  
گانسی، نیرو - است به صحنه سیاست  
هند، نویدی است برای پیروزی ظمی غیر  
متصدما.

## آگهی حصر وراثت

خاتم فاطمه همتی به شناسنامه ۱۰  
شرح درخواست کلاسه ۵۸-۲۸ ایسن  
شعبه توضیح داده شادروان فرینون هنری  
بروژوسی شناسنامه ۶۲۵ در تاریخ  
۵۸/۸/۲۶ درگذشته ورگه وی عبارتند از  
متقاضیه همسر دائمی و حمید رضا هنری  
بروژوسی شناسنامه ۲۴۲۲ پسر و مرگان  
هنری بروژوسی به شناسنامه ۲۱۸۴ دختر و  
کلی روحانی رفعت شناسنامه ۱۲۰۷ مارو.  
لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه  
در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود  
تسا چنانچه کسی اعتراضی دارد مسا  
وصیتنامه ای از درگذشته نسرذ اشخاصی  
باشد طرف سه ماه از نشر اولین آگهی  
به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر  
خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و  
سری که بعد از این موعد ابراز شود از  
دادرس شعبه اول دادگاه بخش تهران  
۳-۱ مهالف ۱۹۱۱۳

## آگهی حصر وراثت

آقای رضا یحیانی به شناسنامه ۳۰  
شرح درخواست کلاسه ۵۸-۱۹ ایسن  
شعبه توضیح داده شادروان یحیی یحیانی  
شناسنامه ۵۸ در تاریخ ۱۳۴۴ درگذشته  
ورگه وی عبارتند از متقاضی پسر و گلنار  
یحیانی شناسنامه ۲۴ و مریم یحیانی به  
شناسنامه ۱۲۷۲۰ دختران و بانو رقیه  
نصیری شناسنامه ۳۰۵ همسر دائمی.  
لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه  
در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود  
تسا چنانچه کسی اعتراضی دارد مسا  
وصیتنامه ای از درگذشته نسرذ اشخاصی  
باشد طرف سه ماه از نشر اولین آگهی  
به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر  
خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و  
سری که بعد از این موعد ابراز شود از  
دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران  
۳-۱ مهالف ۱۹۱۱۴

## آگهی حصر وراثت

خاتم فاطمه فروتن به شناسنامه ۴۱۵  
شرح درخواست کلاسه ۵۸-۲۰۵۹ این  
شعبه توضیح داده شادروان محمد خان  
سمعی فرد به شناسنامه ۲۱۳۴ در تاریخ  
۵۷/۱۱/۲۳ درگذشته ورگه وی عبارتند از  
درخواست کننده همسر و ماننا سمعی  
بر شناسنامه ۲۲۷۱ دختر و افشین  
سمعی فرد به شناسنامه ۵۱۲۱ و معز یار  
سمعی فرد شناسنامه ۴۴۱ پسران و  
سمیع اله سمعی فرد شناسنامه ۴۴۴ پدر  
و مهتاب عمر شناسنامه ۱۲۸۳ مارو.  
لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه  
در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا  
چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای  
از درگذشته نزد اشخاصی باشد طرف  
سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد  
و الا گواهی صادر خواهد شد و هر  
وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این  
موعد ابراز شود از دادرس شعبه اول دادگاه  
رئیس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران -  
سازگاری  
۳-۱ مهالف ۱۹۱۱۶

## آگهی حصر وراثت

خاتم فاطمه زهرا یحیانی شناسنامه ۱۲۴۷  
شرح درخواست کلاسه ۵۸-۲۷۹۸ ایسن  
شعبه توضیح داده شادروان اسماعیل هنری  
بروژوسی شناسنامه ۳ در تاریخ ۵۸/۸/۲۶  
درگذشته ورگه وی عبارتند از متقاضیه  
همسر دائمی و علیرضا هنری بروژوسی به  
شناسنامه ۹۱۵۱ و مجیدی هنری بروژوسی  
شناسنامه ۶۶۴۴ پسران و کلی روحانی  
رفعت به شناسنامه ۱۲۰۷ مارو متوقی.  
لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه  
در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا  
چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای  
از درگذشته نزد اشخاصی باشد طرف  
سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد  
و الا گواهی صادر خواهد شد و هر  
وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این  
موعد ابراز شود از دادرس شعبه اول دادگاه  
رئیس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران -  
سازگاری  
۳-۱ مهالف ۱۹۱۱۷

## آگهی حصر وراثت

آقای داود خلیلی شناسنامه ۱۴۱۳  
شرح درخواست کلاسه ۵۸-۲۹۲۲ این  
شعبه توضیح داده شادروان محمد خلیلی  
به شناسنامه ۱۲۰۹۲ در تاریخ ۴۵/۴/۲۵  
درگذشته ورگه وی عبارتند از درخواست  
کننده و علی اسفر خلیلی شناسنامه ۴۴۳  
پسران و سکنیه خلیلی شناسنامه ۲۷۴۶ و  
رقیه خلیلی به شناسنامه ۹۵۵ دختران و  
فخری کلبر شناسنامه ۹۲۵ همسر.  
لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه  
در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود  
تسا چنانچه کسی اعتراضی دارد مسا  
وصیتنامه ای از درگذشته نسرذ اشخاصی  
باشد طرف سه ماه از نشر اولین آگهی  
به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر  
خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و  
سری که بعد از این موعد ابراز شود از  
درجه اعتبار ساقط است.  
رئیس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران-  
سازگاری  
۳-۱ مهالف ۱۹۱۱۷

## آگهی حصر وراثت

خاتم فاطمه زهرا یحیانی شناسنامه ۱۲۴۷  
شرح درخواست کلاسه ۵۸-۲۷۹۸ ایسن  
شعبه توضیح داده شادروان اسماعیل هنری  
بروژوسی شناسنامه ۳ در تاریخ ۵۸/۸/۲۶  
درگذشته ورگه وی عبارتند از متقاضیه  
همسر دائمی و علیرضا هنری بروژوسی به  
شناسنامه ۹۱۵۱ و مجیدی هنری بروژوسی  
شناسنامه ۶۶۴۴ پسران و کلی روحانی  
رفعت به شناسنامه ۱۲۰۷ مارو متوقی.  
لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه  
در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا  
چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای  
از درگذشته نزد اشخاصی باشد طرف  
سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد  
و الا گواهی صادر خواهد شد و هر  
وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این  
موعد ابراز شود از دادرس شعبه اول دادگاه  
رئیس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران -  
سازگاری  
۳-۱ مهالف ۱۹۱۱۷

## آگهی حصر وراثت

خاتم صدف سیفی شناسنامه ۹ موافق  
شرح درخواست کلاسه ۵۸-۲۹۸ حقوقی  
عمومی این حوزه توضیح داده شادروان  
عبدالحسین سیفی به شناسنامه ۲۹۹ در  
تاریخ ۵۷/۸/۱۹ درگذشته و همسر حین-  
اللقوت عبارت از: ۱- متقاضی همسر - ۲-  
حنده له شناسنامه ۲۷ موالید صادره کرج  
۳- مهدی شناسنامه ۶۱ موالید صادره کرج  
۴- زویانو شناسنامه شماره ۵۳۳  
صادر و شسته طالقان ۵- طاهره شناسنامه  
۱۸ موالید صادره و شسته طالقان ۶- زهرا  
شناسنامه شماره ۵۴۸ صادره و شسته طالقان  
۷- طلیعه به شناسنامه ۱۸ صادره کرج ۸-  
شیرت هنگی سیفی میباشد.  
لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه  
در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود  
تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای  
از درگذشته نزد اشخاصی باشد طرف سه  
ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه عمومی  
حقوقی کرج تقدیم دارد والا گواهی صادر  
خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که  
بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار  
ساقط است.  
مستشار دادگاه - میرزا صادقی  
دادرس شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی  
کرج - خبره  
۳-۱ مهالف ۱۹۱۱۵

## آگهی حصر وراثت

آقای ابراهیم وحید طاری شناسنامه  
۲۱۳۳ صادره تهران شرح درخواست  
کلاسه ۵۸-۲۷-۱۶۶ این شعبه توضیح  
داده شادروان بانو فاطمه وحید طاری به  
شناسنامه ۱۳۶ صادره تهران در تاریخ  
۱۳۴۷/۹/۲۳ از اقامتگاه دائمی خود تهران  
فوت نموده و حین الفوت ورگه وی عبارتند  
از ۲ پسر به اسمی ۱- متقاضی ۲- سید  
نجاتاله وحید طاری به شناسنامه شماره  
۱۰۸۳ صادره از بخش ۶ تهران و سه  
دختر به اسمی ۱- فخری وحید طاری به  
شناسنامه شماره ۳۴ صادره از طارکشان  
۲- سیده مریم وحید طاری به شناسنامه  
شماره ۴۱۸۷ از تهران ۳- سکنیه بیگم  
وحید طاری به شناسنامه شماره ۷۲۹  
صادر از تهران همسر دائمی بنام سید  
آقا وسید طاری به شناسنامه شماره  
۲۸۰۷ صادره از تهران بغیر از نامبردگان  
نوق ورگه دیگری ندارد.  
لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه  
در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا  
چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای  
از درگذشته نزد اشخاصی باشد طرف  
سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه عمومی  
حقوقی کرج تقدیم دارد والا گواهی صادر  
خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که  
بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار  
ساقط است.  
مستشار دادگاه - میرزا صادقی  
دادرس شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی  
کرج - خبره  
۳-۱ مهالف ۱۹۱۱۱

### جنبه ملی ایران

صاحب امتیاز: مهتلبس حسین اخوان  
سردبیر: پروانه فروهر  
زیر نظر شورای نویسندگان  
خیابان سیند شماره ۲۶ - طبقه سوم  
تلفن ۸۹۸۲۱۷  
چاپ خوشه تلفن ۳۱۸۵۶۶-۵

### جنبه ملی ایران

صاحب امتیاز: مهتلبس حسین اخوان  
سردبیر: پروانه فروهر  
زیر نظر شورای نویسندگان  
خیابان سیند شماره ۲۶ - طبقه سوم  
تلفن ۸۹۸۲۱۷  
چاپ خوشه تلفن ۳۱۸۵۶۶-۵

### جنبه ملی ایران

صاحب امتیاز: مهتلبس حسین اخوان  
سردبیر: پروانه فروهر  
زیر نظر شورای نویسندگان  
خیابان سیند شماره ۲۶ - طبقه سوم  
تلفن ۸۹۸۲۱۷  
چاپ خوشه تلفن ۳۱۸۵۶۶-۵

### جنبه ملی ایران

صاحب امتیاز: مهتلبس حسین اخوان  
سردبیر: پروانه فروهر  
زیر نظر شورای نویسندگان  
خیابان سیند شماره ۲۶ - طبقه سوم  
تلفن ۸۹۸۲۱۷  
چاپ خوشه تلفن ۳۱۸۵۶۶-۵

